

بررسی وضعیت دام و دامداری در ایران

از: ناصر نیک‌نژاد

دامداری از ارکان بخش محوری توسعه اقتصادی کشور (کشاورزی) و از جمله منابع مهم تامین نیازهای غذایی انسان به شمار می‌رود.

نگاهی به ساختار دامداری کشور - که از زمان روی کار آمدن رضاشاه و ترغیب آشکار مشایخ زوبه هند و برپایی نهاد - نشان می‌دهد که مناقشه تاکنون اقدامی اساسی و اصولی برای جلوگیری از زوال تدریجی این بخش صورت نگرفته است. هر بخش مهمی از فرآورده‌های دامی مورد نیاز جامعه از خارج تامین می‌شود و برنامه جامع جهت خودکفایی کشور طرح برپا نشده است. و هنوز بر سر آنکه کشور باید از میان خود کفایی در امر گوشت و یا گنده بکری را انتخاب کند بحث و گفتگو ادامه دارد. محصلات و فرآورده‌های دامی گوشت، شیر، کره... در سیستم تغذیه انسان نقش مهمی دارد و امروز در زندگی روزمره خود وابستگی شدیدی به این فرآورده‌ها دارند لذا هرگونه کمبود و یا فقدان آن‌ها حاصله از این کشورها نسی اثرات مهمی در سینه تغذیه و فقر مواد غذایی در سطح جامعه خواهد داشت. اضافه بر آن خلال حاصله از این کشورها و انگکس را بانی در ارتکان شیوهی جامعه به جای خواهد گذاشت. مقاله‌ای که در این اوقات از نظرانی می‌گذرد، برآمده دام و دامداری کشور و مسائل و معضلات آن به بحث و بررسی پرداخته است. دارای نواقص است و مسائل ایران ظهور، ماکین و زیرساخت‌های زیر مجموعه آن محسوب می‌شوند. با این‌بارین دلیل ایجاد وسیع مسائلی و محدودیت بررسی، گزارش حاضر لفظ شامل دام (انعام) بوده در آن اشاراتی به سایر فعالیتها شده است.

حسد و شدت وابستگی کشورهای توسعه یافته به حیوانات سبزه به اهمیت بالاییها پیگرفته‌ای است که خارج شدن از مدار حلقه محاصره چند جانبه آنها نمی‌تواند شعار گرفته و تنها راه نجات سیاسی عملی باشد. تجربه نشان داده است که راه گریز در آسیب نااپیر شدن در مقابل بیچارگی خطرناک وابستگی و حاکمیت بیگانه ایجاد تحول اساسی و زیربنایی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است چرا که تغییرات در کانسر اشکال و ظواهر جهان سوم از یکسو و سنده شدن سبزه سوم و چهارم در درون آن کشور از سوی، راه هرگونه استقلال واقعی را بر روی مغلط خواهد بست.

بررسی مسائل حیوانات سبزه در یک نگاه آماری دهی یک تر بیلیون (هزار میلیارد) دلاوی به کشورهای غربی، (۱) جمعیت گرسنه ۶۰۰ میلیون نفری در سال ۲۰۲۰، (۲) ۵۰۰ میلیون نفری (۳)، بیسرادی مزمن ۸۱۴ میلیونی (۴)، جمعیت ۱/۵ میلیاردی در معرض بیماریها و (۵) ... نشان می‌دهد که جهان معاصر با مجموعه مسائلی که در آن می‌گذرد فرصتهای باز سازی و نو سازی جامعه عقب نگاهشسته شده را خیلی کوتاه تصویر می‌کند و این نکته را گوشزد می‌کند که تنها حاکمیت سیاسی، مولدای تعیین کننده‌ای برای رشد، پیشرفت و ترقی جامعه نیست و در اجابت که «تئوری برنامه انقلابی» می‌تواند به عنوان استراتژی تعیین کننده ثبات اجتماعی و رهگشای مشکلات و معضلات آن قبیل مسلک باشد.

داشتن برنامه‌ی عملی برای پاسخگویی و حل معضلاتی از قبیل وابستگی، بحران غذایی و گرسنگی (سوز تغذیه)، تورم بی‌رویه و ایجاد گرسنگی سگاری فزاینده، آموزش و تربیت نیروی انسانی، تولیدات صنعتی و کشاورزی در مقیاس انبوه، دانش و پیشی به کارگیری امکانات طبیعی و... به قدری ضروری و سرزنش‌ناز است که نمی‌توان آنها را بدون جواب گذاشت. بطور کلی لازمه هر حاکمیت

مردم عریض تلاش بر وادایی بهبود وضعیت و اصلاح شرایطی است که تحت هر شرایطی توان مقابله با مشکلات جامعه را داشته باشد و در نظر اینصورت تراکم مضایب و معضلات پیش پیش شده، فرصتهای فزاینده‌ای را برای یک کشور بی‌بنیادی با محتوای خاص فرهنگی‌اش به جبرایی می‌گذرد و جوره اصیل تحولی را و سازنده اثری می‌تواند نشان

توجهی نسبت به حل مسائلی جامعه همانا به سطر و اصلاحات آن منتهی می‌شود. هر چند بن بستهای محلی و موانع اپیتولوژیک راهبری جامعه خست چنانگه‌ای دارد ولی بطور کلی می‌توان گفت که چهار چوب اصلی تحول ساختار اجتماعی بر اساس کار اپیتولوژیک ریخته می‌شود و کم و کسب موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه عملی باید در ریشه‌های تفکرات و دیدگاههای آن جستجو نمود لذا مانی تئوریک و پراگماتیک یک اپیتولوژی رهبری بخش از یکدیگر تفکیک نااپیر بوده و هر کدام راهبر جامعه‌ای است و تقدم و تاخیری را نمی‌توان برای آنها تصور کرد.

متعلق بودن دنیای سوم در ارتباط با مشکلات اساسی باعث شده که ناخالص راه حل مستقل و جدای از مفاهم و سرور صداهای جهان معاصر، جوره عملی بخود نگردد تا پایه‌های زیرین و اساسی حاکمیت اینگونه جامعه‌ای استقرار و مقدم سازد و لذا بی‌بستگی برنامه‌ی، حرکت بدون هدف، آغاز، فاجعه روی از استراتژیهای تجربه شده و غیر عملی و پاینده‌هایی هستند قابل تس و بسون جواب که تری و توان کشورهای جهان سوم را تلف نموده و آنها را در مسیر حرکتی چرخشی و محدود و پرخوردهی حاکمیتی و متفرق قرار داده اند.

توجه این بر سر نه تنها بن بست شکنی نموده بلکه افزایش وابستگی را نیز دنبال داشته است و از جمله وابستگی مشهود، وابستگی به مواد غذایی است که از زمانی که سرنگی، فلاکت و مرگ تدریجی بدینان خواهد داشت.

* نبودن مواد و عوامل غذایی لازم برای حفظ سلامت،

دانشن برنامه‌ی عملی برای پاسخگویی و حل معضلاتی از قبیل وابستگی، بحران غذایی و گرسنگی (سوز تغذیه)، تورم بی‌رویه و ایجاد گرسنگی سگاری فزاینده، آموزش و تربیت نیروی انسانی، تولیدات صنعتی و کشاورزی در مقیاس انبوه، دانش و پیشی به کارگیری امکانات طبیعی و... به قدری ضروری و سرزنش‌ناز است که نمی‌توان آنها را بدون جواب گذاشت. بطور کلی لازمه هر حاکمیت

موجب مرگهای پیشرونی می شود و باعث می شود که فزونی فرد انسانی، کاشتی پلورید بنابر این مساله دگرگونی تابنده در میان است که به اصطلاح ژورنل دوکتور، به نوده های وسیع انسانها بصورت زمین و مایه در آینده به حد جلا حسند. هنگامیکه عوامل ایسایس و مایه اصلی نظمه وجود داشتند، میلیونها نفر - بانکه هر روز طافرا غلظت میخورند - کم کم به خواب مرگ خواهند رفت... (6)

امروز انحصارات مراد هشتاد به اندازه انحصارات تسلطی حیات میلیونها انسان بی گناه را مورد مخاطره قرار داده و از بخاطر مواد غذایی، به بخرود برگ برنده برای فشارهای اقتصادی، امتداد گری سیاسی، جنگهای دهه ۱۰ تحمیل اهداف فساد انسانی خود استفاده می کند. در همین رابطه به نیست اشاره ای به سخنان فیصل کاشنرو رهبر کوبا در هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد داشته باشم:

«... بحران غذا یک پدیده جدید نیست، گروه پاران فعلی اقتصادی باعث پدید آمدن آن شده

است. اگر صریح صحبت کنیم بحران غذا به صورت گرسنگی و سوء تغذیه بین نوده های مردم می باشد، در حالیکه در مقابل این عده کمتر عده ای لیلی بیش از حد نرمال مصرف می نمایند. در حالیکه تعداد زیادی از کشورهای توسعه یافته سرگرم تحلیف بر روی بیماریهای ناشی از پرخوری می باشند و هنگامیکه هر ساله صد ها میلیون دلار صرف خوراک حیوانات خانگی می شود فقط در این براساس گزارش فائو بیش از ۲۸۱ میلیون نفر در گرسنگی بسر می برند. این رفودر کشور آنتونری ۳۳ میلیون، در بنگلادش ۲۷ میلیون، در نیجریه ۱۴ میلیون، در برزیل، انبوری و پاکستان ۱۴ میلیون و در فیلیپین ۶ میلیون نفر می باشد. اگر این روند ادامه پیدا کند تعداد افراد گرسنه در اوتال قرن بیست و یکم به چیزی حدود ۷۵۰ میلیون نفر خواهد رسید.

این عمل درست در میان غوغای مسافله تسلطی انتاف می افتد. یعنی در این زمان بجای پرخورد با مساله گرسنگی منابع مالی صرف ساختن تجهیزات می شود که هدف آن از بین بردن راهمی افراد مسند قابل توجه است. هر چه سراف شد بود، سرمایه های آمریکا بر روی مونگه های MIMJ فقط در سال ۱۹۸۳ برابر با ۲/۵ میلیارد دلار بوده است که با این مبلغ یک میلیارد گل مجارح مربوط به واردات گند آفریقا را در سال ۱۹۷۹ تأمین کنیم و با گل برنج آسیا را و با مجارح مربوط به توسعه حدود ده هزار هکتار چراگاه در جهان سوم و با مجارح بیشتر در حدود ده هزار هکتار زمین کشاورزی از خطر سیل را می توانیم از این محل تأمین کنیم... (۷)

بنا بر این مبارزه برای کسب استقلال فقط در جابگرمی قدرت (حاکمیت سیاسی) خلاصه نمی شود. استقلال واقعی در هر مبارزه ای دراز مدت دربرجمله، به دوران تسلط اقتصادی، سیاسی و نظامی است که آن هم نیازمند درایت، هوشیاری و توانمندی لای ای است و به ویژه اینکه پای آرمانها و اهداف انسانی و انقلابی نیز در میان باشد.

تجربه الجزائر بین پلا، المورنی، سوکارتو، حسر، ناکسره، شیلی، هندو، ایران، مصلح... به ما نشان می دهد، در هر تحریک و تغییرات بنیادی در جامعه، به دوران تسلط مدیریت صحیح، برنامه ریزی، قدرت سازماندهی، شناخته شده، ایستادگی سیاسی، بسیج نموده ای و پشنه اندگاه مردمی، اعتدال در خط موده و استراتژی (استراتژی با انعطاف)، قدرت برخورد در عرصه جهانی و... نیز منبهم و نود هر یک از مؤلفه های فوق موجب اختلال در حرکت و استقلال ناسرها و دستورهای انقلابی خواهد شد و تضمینی عملی برای ایستمرار ثبات انقلابی و باروری دستاوردها وجود نخواهد آورد، چرا که تغییرات در مردم ختمی در اکتال و رویکار باقی خواهد ماند و انتش انقلاب ناممکن خواهد شد.

بنابین سبب تغییرات باید تغییرات ساختاری در ایجاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی... باشد که این امر نیازمند یک



بهرامه ریزی همه جاتبه است و تحمیل آن منوط به حذف ایدون رهبری و مدیریت جامعه در برخورد با مسائلی مشکلاتی است که ضرورتاً و روند آتی جامعه ملت را رقم خواهد زد.

فخن گرایم، بلند پروازی، غوام زدگی، ساده انباشتی، عقاید طلسمی، مطلق کنشی، نظام گرای... از جمله افتاتی هستند که هر آن می توانند سرشودت یک جامعه انقلابی را عروس کنند و علیرغم ملامت و خواسته های مدیریت جامعه و گذار رهبری آن زمینه ای برای رست، سرنگرایی و پشت پا زدن به تمام ارزشهای انسانی و معنایی را فراهم سازند.

روشگاه یادآوری

هدف توسعه انتخاب شده در ایران، از سیستم سرمایه داری غربی، روی می آید، که عطفاً، مرکز دوداری سرمایه یا موقلقت همزه بوده است لیکن این موقلقت به وسیله تاریخ اقتصادی گملا مسافرت و توسعه بهره کنشی دامن ای کشورها دیگر که اغلبی غوام فریانه «کشورهای درحال رونق» نامیده می گردند بدست آمده است. این وضعیت نمی تواند در ایران توفیقی حاصل کند، به طوری که از هم اکنون نتایج حاصله از آن در بخش کشاورزی بخوبی این امر را نشان می دهد.

برخی از مسئولان چنین تصور می کنند که عدم تعادلهای اجتمالی (نا برابریهای فزاینده) و عدم تعادلهای اقتصادی (وابستگی غلانی) و اکولوژیکی (تخریب محیط) و عدم تعادل در توسعه خود سرگرم کشور از درآمد ملی که در سال ۶۱ (سال اصلاحات ارضی) بیش از ۳۰ درصد بوده در سال ۵۱ به حدود ۱۲ درصد رسید، در حالیکه بیش از ۵۰

انچه در بالا آمده، استمی از جمع بندی سفر کوتاه هونه دوم، کارشناس استیویتی ملی کشاورزی پاریس است که به دعوت رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت (مجدیدی) در سال ۵۵ به ایران سفر کرده بود. هر چند چهار پورت نظریات و طرح ها در دانشگاه ای پیش تعیین شده بود (انظر بحث در مورد وضعیت کشاورزی ایران) اما «مدین» با نظریاتی خودنا حدودی بلند پروازیها و خوشبینی های مسئولین رژیم گذشته را بخاطر برنامه ریزی نسنه و مداری نسنه و پیروی از مدل رشد و توسعه غربی (توسعه دستوری) زیر سؤال برده و آینده خرابی را برای آن پیش بینی نمی کرد.

بر آگهان پوشیده نیست که به مع ۱۹۶۰ امپریالیسم آمریکا فوقاً از برنامه ریزی اقتصادی در سراسر جهان سوم حمایت می کرد تا از بین وسیله امکانات بافق و ذخایر طبیعی را در دله اول شناسایی و در مرحله بعد اقدام به صادره آنها کند تا از این راه زمینه های انباشت سرمایه و صدور کالاهای غلب کند داشته شد را تدارک ببیند.

انگاشی این خط مشی در ایران یگونه ای بود که امپریالیسم آمریکا از طریق ایجاد سازمان برنامه و طرح بودجه وقت، با توجه به این روش، به بخش صنایع ملی ایران را روده نابودی برده و بودجه کشور را که می توانست با انگار، درآمدهای نفتی و قرصه های خارجی سوزق داد.

سهم بخش کشاورزی نیز از درآمد ملی با کاهش مواجه می شد. این کاشتی بی ارتباط با آن برنامه ریزی سیاست ضد بخش کردن کشور سرگرم بود. کشاورزی از درآمد ملی که در سال ۶۱ (سال اصلاحات ارضی) بیش از ۳۰ درصد بوده در سال ۵۱ به حدود ۱۲ درصد رسید، در حالیکه بیش از ۵۰

استقلال و آزادی و آگاهی جامعه ما نشاندهنده بیشتر در جهت ثبات حاکمیت و یکدلی و تلاشت استقلال ملتک و آمیخته می شده است. برای نمونه می توان به دیدگاه مهندس مشاور بیوز کرز و هاشمیگانه (۱۱) در مورد طرح کشت ایران اشاره کرد:

«... خودکفایی در کلیه محصولات کشاورزی امکان پذیر نیست و به منظور برآوردن بیش بینی مصرف مواد غذایی در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) ایران مجبور خواهد بود معیار زیادی گوشت فرزند با غلات و با سایر مواد غذایی را از خارج وارد نماید. ایران می تواند به هدف خودکفایی در تولید گوشت گندم باید ولی این بشری است که وابستگی خود را به واردات مواد پرورشی حیوانی همچنان حفظ نماید و وابستگی خودکفایی در تولید پروتئین دامی منجر به کاهش جسی در تولید گوشت خواهد شد. هم چنین مسئله ای که ایران با آن مواجه می باشد اینست که بین خودکفایی در گوشت و شکر و با خودکفایی در قهقه یکی را انتخاب کند. به منظور تولید غذای کافی برای آمیخته بومی و اصیل لازم خواهد بود که ۷۰٪ کل انرژی ای کشور زیر کشت علوفه فراهم شود. در این صورت ایران مجبور خواهد بود که گندم گندم به اضافه ۲۵٪ از دانه های روغنی و حبوبات، ۲۵٪ شکر و ۲۳٪ از برنج مورد نیاز مصرف انسانی خود را از خارج وارد کند. بطوریکه به علاوه می شود خودکفایی در گوشت و علوفه برای کشور بسیار گران تمام خواهد شد که علاوه بر آن وابستگی کامل کشور به خارج از نظر غلات خود ریسک بزرگی بشمار می آید» (۱۲)

استنباط و نتیجه ای که می توان از مطالب فوق گرفت وابستگی ایران به محصولات کشاورزی با پرورش حیوانی و فرآورده های دامی است چرا که راه حل سریعی میسر نماند و ایران باید به در راه حل فشار شده یکی را انتخاب کند البته سیاست وابسته کردن و غلبه نکه داشتن کشورهای ضعیف «موسوم به جهان سوم» به یک دگرگونی اساسی در پشت پرده است. در حالی که محور از ظنشی بنگاه ای پیروی کرده است. یعنی حمایت استعمار و بهره کشی امکانات جهانی عوض شده اما شکل و شیوه های بهره کشی و به تازگی برین منابع طبیعی سرگشته است. وابستگی ایران به مقطبی در شکل گاملا نظمی و در محدوده جغرافیایی مثبتی عمل می کند امروز با پیشرفت سریع تکنولوژی و استفاده از کشتوریک سطره جهانی پیدا کرده است که به مقصد سلطه تکنولوژیک خود در مقیاس وسیعی عمل می کند اگر دیروز وجه به بارهان تسلیحاتی غنی شامل امیرایسم دیروز امروز ایجاب ابستگیک تکنولوژیک با یک بار گامبرگر و فنون و تکنیکهای جدید و گسترده (صنعت کامپیوتر و فرهنگ کامپیوتریسم) به فنی غالب امیرایسم تبدیل شده است.

بنابراین تصمیمهای فعلی امپریالیسم به مزه اداری رسیده که نمی توان است با آن برخورد کرد. ولی فروش سلانه شرکت های چند ملیتی از تولیدات ناخالص فنی بعضی از کشورها فرقی نمی یابد و گستره سلطه آنها در جهان است می شود دیگر کمیتیزم هر چه سرمایه داری از انحصاریت محدود جهانی بیرون تا سودآوری خود را به نفع انبوهی افزایش بدهد که امری این استراتژی وابسته به کنترل استوار و غلبه اصل قدرت یعنی تأسیس منابع مالی (استثمار و عامل ثروت ملال، تکنولوژی و اینتلوژری بازار می باشد (۱۳)

بنابراین اقتضای وابسته و مستحضر دوگانه آن است (و مندرج در اکثر کشورهای جهان سوم) از خودانگیزی و خودگردانی آنها در مقابله با اقتصاد جهانی سلطه گر شده است که در ریشه آن در ساختار وابسته به اقتصاد جهانی سرمایه داری این جوامع است.

استراتژی توصیه شده (صنعتی) در ایران به بخش کشاورزی طوری طراحی شده است که اگر بزرگترین وابسته شدن بود چه در حال پشتیبانی نیز عملی نشود و اینست که تنها در صورتی که سرمایه داری کشور از این منبع (.....) بلکه در محصولات کشاورزی (گندم، جو، برنج.....) وابستگی خود را به غرب حفظ کرد.

تعداد دام و دام در مناطق روستایی واحد هزاره ای

سال	گوسفند و بچه	بوره گاله	گاو گولانه	گاو میش	لاچ	ظافر و استر	اسب	شتر	واحد دامی
۱۳۵۰	۲۹۹۴۳	۱۳۹۵۰	۵۵۱۶	۱۷۹	۲۰۳۳	۱۲۲	۳۸۲	۱۱۰	۱۱۰
۱۳۶۰	۳۸۰۸۶	۱۵۰۵۶	۵۱۱۴	۳۸۸	۲۱۰۵	۱۴۵	۳۸۸	۸۸	۸۸
۱۳۷۱	۳۵۰۵۰	۱۸۶۳۳	۵۰۰۰	۳۸۸	۲۰۳۸	۱۶۹	۳۵۶	۱۰۰۵	۱۰۰۵

محل: مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۵۸-۱۳۵۹
برورد تعداد و انواع دام در مناطق روستایی و عشایری

سال	گوسفند و بچه	بوره گاله	گاو گولانه	گاو میش	لاچ	اسب	ظافر و استر	شتر	واحد دامی
۱۳۵۰	۲۹۹۴۳	۱۳۹۵۰	۵۵۱۶	۱۷۹	۲۰۳۳	۱۲۲	۳۸۲	۱۱۰	۱۱۰
۱۳۶۰	۳۸۰۸۶	۱۵۰۵۶	۵۱۱۴	۳۸۸	۲۱۰۵	۱۴۵	۳۸۸	۸۸	۸۸
۱۳۷۱	۳۵۰۵۰	۱۸۶۳۳	۵۰۰۰	۳۸۸	۲۰۳۸	۱۶۹	۳۵۶	۱۰۰۵	۱۰۰۵

محل: وزارت کشاورزی - معاونت دام و مواد ۱۳۶۰
وسعت مراغ کشتور و میزان بازده علوفه مراغ مختلف

نوع مراغ	ساخت (میلون هکتار)	تولید علوفه خشک (میلون تن)
۱- مرغ عرب با متوسط	۱۴	۵
۲- مراغ متوسط تا فقیر و در حال افزایش شدید	۱۶	۵/۵
۳- مراغ فقیر، کوری، بی بازاری و ضعیف شده	۱۶	۰/۲
جمع	۹۰	۹/۸

محل: سازمان جاکاها و مراغ کشتور
برورد مصرف گوشت فرم و شیر و خوراک دام مورد نیاز در سال ۱۳۶۶ و ۷۱-۷۶

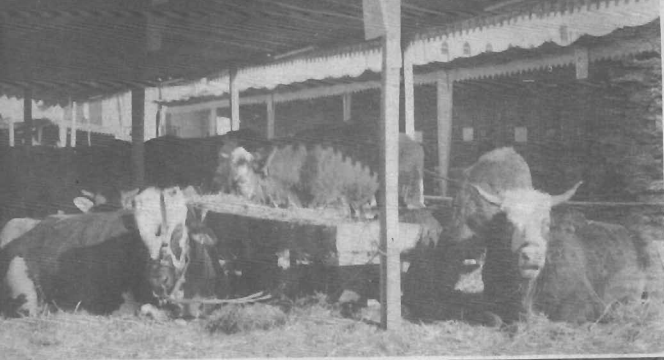
فرآورده دامی	سال ۱۳۶۶	سال ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۵
گوشت مصرف (۱۰۰۰ تن)	۶۸۸	۶۱۵۰	۹۰۰۰
دام مورد نیاز (۱۰۰۰ تن)	۲۱۷۰۰۰	۵۵۴۰	۱۲۳۳
کشتور (میلون واحد علوفه ای)	۲۱۷۰۰۰	۲۸۸	۲۸۸
کشتور فرم	۲۱۷۰۰۰	۲۸۸	۲۸۸
شیر	۲۸۸	۲۸۸	۲۸۸

۱- طبق برورد لایحه برترتسه اول توسعه جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۶۶ حدود ۲۲ هزار تن از کل مصرف گوشت فرم کشور را طبق برورد تأمین خواهد شد که مقدار واردات و محاسبات برورد خوراک دام منظور شده است.
۲- برورد تمام برورد در سال ۱۳۶۶ حدود ۱۸۱۲ هزار تن از کل مصرف فرم کشتور طبق برورد واردات تأمین خواهد شد که در بروردات برورد و خوراک دام منظور شده است.

درصد نیروی انسانی در این بخش اشتغال داشته و کشتور و دام در سال ۱۳۶۶ به طور خلاصه بیان می شود که منابع مهم تهیه ران برای کشتور بود در سالهای اخیر بطور خلاصه وارد کننده شد در سال ۱۳۶۱ نیز تازه واردات واردات و واردات کشاورزی جمعا ۳۷۹۵ میلیون ریال مثبت بود ولی در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۰۰۰ میلیون ریال منفی شده و در سالهای ۵۲ تا ۵۴ شکاف مزبور عمیق تر شد (۱۴)

کاهش درآمد در بخش کشاورزی اثرات سوء خود را بر الفت انگیزه تولیدات زراعی و دامی بجای گذاشت که خود این مسئله زمینه ساز واردات کفاله خارجی به ویژه در بخش کشاورزی شد و تقابل مهم ۳۰ درصدی (۱۳۶۱) در بخش کشاورزی (۱۳۵۱) در فرادامه طی این بخش مشاهده می شود. بنابراین فنی این بخش است واردات کشاورزی ایران که در سال ۱۳۶۸ حدود ۵۰۰۰ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۴ به ۲۰۳۳ میلیون دلار رسید.

از طرفی در اواخر دهه ۱۳۷۰ که درآمد نفی ایران افزایش یابد (سال ۱۳۷۱ حدود ۱۰۰۰ دلار)، گردش درآمد در بخش صنعت و سیاست صنعتی کردن کشتور شتاب فزاینده ای پیدا کرده و بلند مدت صنعتی کردن کشتور شروع بود که حتی زمان بندی مناسب، معقول و ضروری نبود زیرا به گامی وابسته بود و امری پروژه های از این حیث است بیروگفتاری علمی، طراحی فنی، صنایع مستقیم صنایع پرورشی، کشف معادن نفی سب (صنایع سب)، صنایع ماشین سازی و اتومبیل سازی، مانیجنگی صنایع گازی صنعتی کردن کشتور را نشان می دهد حتی به کشورهای (۱۰) و طراحی سب فریگرا در ایران نیز سیاست صنعتی کردن کشتور به دور از واقعیت جامعه ایران بوده است. در سال ۱۳۷۱ حدود ۲۶ میلیون ریال صرفه جویی شده که از این تعداد ۱۵ میلیون هریان (صنایع زیربنایی، مشمول بازار



واستگن ایران به مدار غرب و شکل گیری مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی براساس الگوی تنظیمی به حدی روشن و محسوس است که راه هر گونه سنت گم بود. قالب توسعه و رشد نمونه غربی را به دلیل فرهنگ خاص بعد از انقلاب بسته و مجال بازسازی مناسبات و روابط گذشته را نمی دهد. در غیر این صورت انتخاب چنین سیاسی بی امدی جز سردرگمی و تحلیل رفتن منابع به ارضان نخواهد آورد.



در این بررسی کوتاه قصد بر این است تا وضعیت دام و دامداری محصولات و فرآورده های دامی و مسائل جنسی آن بررسی شود لذا سعی شده کلیه اطلاعاتی که بطور منسجم یا به غیر منسجم با همساله دام و دامپروزی و با فرآورده های آن رابطه پیدا می کند ارائه شود تا در پرتو مجموع اطلاعات فوق بتوان ارزیابی درستی از وضعیت موجود دام کشور پدید آورد.

چهره دامداری ایران

اقتصاد ایران تا قبل از اصلاحات ارضی باقی وضعیت عشایری داشت که کشاورزی و دامداری، صنعت بارز مناسبات اقتصادی و اجتماعی آن را تشکیل می داد ولی ترکیب آن در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۵ (دوره همساله دچار تغییراتی شد و این تغییرات اثرات خاص خود را بر بخش کشاورزی و دامداری بچای گذاشت که در مجموع اثرات منفی آن نمایان تر بود چرا که جایگزینی نظام تولید باید دارای ششترانه عالی، برنامه ای و نیروی انسانی مورد نیاز باشد و تخصص و کارآمدیهای لازم در سطح منسجم و تشکیلات اجرائی مناسب توأم می بود که رژیم گذشته قادر آن بود و در زمانی آن بیشتر بلند پروازانه و خیالی بود تا براساس واقعیتها امکان موجود و برنامه ریزی مطابق با ظرفیتهای مطلق کشور و لذا خلصت نظری و واگوژی سبزی (نظام سنتی) آن را نمی توان از نظر دور داشت. توسعه شهرنشینی و برنامه سنتی شدن کشور عامل موانع دیگری در رکود پیشرفت و توسعه کشاورزی ایران بود و نیروهای جوان روستا به سرعت جلب صنایع نوپای شهری و بخش خدماتی می شدند. سرعت شهرنشینی و توسعه شهرنشینی در اواخر دهه ۱۳۴۷ بلندی شتاب گرفت که حتی هجوم نیروی جوان

روستایی به شهر ها هم جرایگری نیاز بازار کار نبود. تأثیری که رفاه اقتصادی گذشته بر بخش کشاورزی و دامداری، سنتی گذاشت منجر به فدا باشی شالوده نظام تولیدی سنتی شد و واستگی کشور به لحاظ مواد غذایی یکی از دستاوردهای آن بود از طرفی تجربیات شش ساله بعد از انقلاب نیز باید بتوان یک کار کرد جدید یا محتوای خاص فرهنگی اش، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد تا نارسائی ها و نقاط ضعف و قوت آن نیز مشخص شود.



تصویر نظام دامداری کشور در گذشته و حال بسیار آینه است که روش بهره برداری و تولید از یک تقسیم بندی دوگانه ای پیروی می کند که یکی دامداری سنتی و دیگر دامداری به سبک صنعتی و نیم صنعتی است. دامداری سنتی که معنوهه چترافشینی فعالیت آن در مناطق روستایی و شهرهای کوچک بوده با سه روش مختلف ثابت، نیمه ثابت و متحرک اداره می شود.

دامداری ثابت (ساکن) تولید و تغذیه خود را با علفه گشته شده یا بلقاهی محصولات کشاورزی پس چرا و مزارع و یا بخشی از مزارع نامحسوس می کند و واحدهای بهره برداری آنسبب (کوچکچینند ۴ تا ۳ رأس) و باقی را گوسفند و بز برای قصد راسی را نیز زیر پرورش بهره وری خود قرار می دهد. در دامداری به سبک عشایری (متحرک) که سهم مهمی در جمعیت دامی و تولیدات کشور دارند دامداران از یک دوره تناوبی (پسگانه) در سال علفه و فرخ همراه با دام خود خارج می شوند. انتقال و تسلاقی (تسلاقی) این شکل دامداری به دلیل مجرم بودن از خدمات دامپزشکی - دامپروزی، بصورت ابتدائی ترین شکل خود باقی مانده و به علت حرکت دائمی و پیاده روهایی طولانی و مسواری طولی المدت در اغلب موارد دامهای این واحدهای تولیدی دچار کاهش وزن شده و راندمان تولیدی آن ها پایین تر بوده است البته لازم به یادآوری است که بعد از انقلاب ساختار این شیوه دامداری به دلایل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سر به پذیر شده و کلا سلفه اجتماعی جامعه عشایری ایران به لحاظ هرم قدرت و اقتدار خان و ارتباطات و رابطه فاعده و بدنه هرم و رأس آن از بین رفته و جهت عشایری کشور که سیاست رژیم گذشته، سیاست اسکان آنان و تسلط و برجام عشایری بود (ایجاد تمرکز و حاکمیت حکومت مرکزی) به اعتبار فشارهای اقتصادی و

مسائل و مشکلات بیرون ایلی شالوده آن بعد از انقلاب از هم گسیخت و روند اسکان و مهاجرت به شهرها سریعتر از گذشته صورت گرفت. در جمعیت تولید کننده که اقسام آنها منحصراً به نظام دامداری به سبک عشایری بود جلب بخش خدمات و کارهای ساختمانی و اشتغالهای پرآکنده غیر دامداری شدند. همساله طبقات ذرون ایلی و فاصله طبقاتی فاعده و رأس هرم به لحاظ مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک لحاظ مطلق نبوده و ذکر این نکته لازم می آید که ساختن نظام ایلی عشایری براساس ارزشهای برابری و تعادل روابط اجتماعی بی رویی شده و لذا روابط و مناسبات عشایری به عنوان الگوی روابط انسانی مورد تأیید نمی باشد اما وجود چنین مناسباتی را نمی توان انکار کرد.

نوع دیگر دامداری سنتی، دامداری نیمه ثابت (نیمه کوچ رو) یا نیمه عشایری است.

بهره وران شایر اسکان باقی به خوش شیبتهای مشابه به حرفه دامداری که عمده فعالین این روش هستند از سیستم تعلیقی وابسته به شرایط جوی پیروی می کنند، یعنی در فصول مساعد سال در مزارع پس می برند (استفاده از پس چرا و مزارع و سایر علفه ها) و در فصول نامساعد (در اقله های بدوی) از علفه های معاصر پیروی کرده برای تغذیه دامهای خود استفاده می کنند (تغذیه سنتی). شش قدم دامداری در ایران دامداری به سبک صنعتی است که حوزه فعالیت آن در اطراف شهرهای بزرگ و در موارد انگشت شماری در روستاها هستند این دامداری ها تا حدودی با اصول دامداری پیشرفته و مدرن اداره می شوند. مجتمع های شیر و گوشت، پروارتنها و کشت و صنعتها، نیاز این نمونه هستند. روش تولید و تغذیه این گونه دامها متکی به علفه گشته شده و واردات علفه است که واردات علفه برای دامداران، منحصراً از قسمت لایس برخوردار است.

کمیت دام کشور:

آمار ارائه شده در رابطه با تعداد دام کشور فقط دام مناطق روستایی را در بر می گیرد که نمی توانه آمار کامل و جامعی از کمیت دام کشور باشد چرا که نظام دامداری و بهره وری از دام، فاقد یکپارچگی و هماهنگی لازم است. دامداران کشور در مناطق روستایی در سال ۱۳۵۵ بالغ

اقتصاد وابسته و ساختار
 درگانه آن (ستنی و مدرن) در اکثر کشورهای جهان سوم مانع از خوداتکایی و خودگردانی آنها در مقابله با اقتصاد جهانی سلطه گر شده است.

در وضعیت فعلی به دلیل
 چرای بیش از حد دام و تحمیل ظرفیت خارج از توان تولیدی مراتع از یک سو و عدم توجه کافی به احیاء و توسعه آن از سوی دیگر، دورنمای روشنی که نوید دهنده بهبود وضع مراتع کشور باشد قابل ترسیم نیست.

دو حال حاضر در بسیاری از
 مراتع کشور تراکم دام در بیش از ۳ یا ۳ برابر ظرفیت قابل چرای آنها است که این تراکم بی رویه به آینده خطرناکی در سیستم تغذیه و تعلیف دام کشور بوجود خواهد آورد.

۴۶ میلیون رأس بوه که بیشترین رقم را به لحاظ تعداد گوسفند (۲۹ میلیون رأس) برکترین رقم را (۱۱۷۰ هزار رأس) بخرد اختصاص می یابد. این رقم در سال ۵۹ افزایش یافته و به بیش از ۵۱ میلیون رأس رسیده و بعد از انقلاب در سال ۶۱ نزدیک به ۶۱ میلیون رأس افزایش یافت که این افزایش رقمی معادل ۱۰ میلیون رأس را نشان می دهد.

همانطور که اشاره شد جمعیت دامی کشور با توجه به ساختن آن رقمی بیش از ارقام ارائه شده می باشد. یعنی جمعیت دامی کشور در سال ۱۳۵۰ با توجه به دام شناساری چتری معادل ۹۷ میلیون واحد دامی (۱۲) بوده که در سال ۱۳۵۲ به ۱۰۴ میلیون واحد دامی و در سال ۱۳۵۸ نزدیک به ۱۰۹ میلیون واحد دامی گردید.

آخرین امارت تعداد دام در سال ۱۳۴۴ (به نقل از وزارت کشاورزی) حدود ۱۲۳ میلیون واحد دامی پرورده شده که ۲۰ میلیون آن شامل گوسفند و بیه (۵۰۰ میلیون رأس) و بزها (۲۰۰ میلیون رأس)، گاو و گوساله بومی (۱۰ میلیون رأس)، گاو دو رنگ (۵۰۰ هزار رأس)، گاو اسبیل (۳۰۰ هزار رأس) و گاو میش (۵۰۰ هزار رأس) می باشد. لازم به ذکر است که امارت طهور و عاگان در این اماردهای منظور نشده است.

مراتع کشور

مساحت مراتع کشور معادل ۹۰ میلیون هکتار تخمین زده شده که در کبک آن به لحاظ توزیع به این شرح است: مراتع ۲۰ تا متوسط ۱۲ میلیون هکتار، مراتع متوسط تا فقیر و درحال بیابانی شده ۳۰ میلیون هکتار و مراتع فقیر، کوبری و قیاسی منقسم شده ۱۶ میلیون هکتار.

ظرفیت تعلیف مراتع با توجه به تقسیم بندی مورد نظر به این ترتیب می باشد که در جدول اول (حزب تا متوسط) با ظرفیت تعلیف یک گوسفند در یک هکتار در یک دور، در جدول (۱۵)، مراتع از یک دور با ظرفیت یک گوسفند در ۲ هکتار در یک دور، و تعلیف و مراتع از یک دور با ظرفیت یک گوسفند در ۱۵ هکتار در یک دور، تعلیف تعیین می شود. متوسط میزان علوفه خشک حاصل از مراتع از واحد تولید یک (هکتار) بارنامه به وجه به شرح زیر می باشد: است و به ترتیب به ترتیب ارائه شده، متوسط تولید ۴۰ گوسفند (توزع حدود ۹۲ یک گوسفند (توزع حدود و ۲۶/۲۵) یک گوسفند (توزع سودا) می باشد.

واردات علوفه توسط صندوق عمران مراتع

واردات (هزار تن)

مرغ علوفه	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۹	۱۳۴۸	۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۵	۱۳۴۴
جر	۱۲۷	۱۸۲	۲۲۰	۲۶۵	۲۹۰	۲۶۰	۲۶۰	۲۶۰	۲۶۰	۱۱۱۰
ذرت	۱۰۹	۱۷۶	۲۲۰	۲۸۶	۳۲۵	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۵۷۱
ساقه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کچاله سویا	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کچاله نهم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سایر	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۲۳۶	۳۵۸	۴۴۰	۵۵۱	۶۱۶	۶۱۶	۶۱۶	۶۱۶	۶۱۶	۳۳۳۶

ملاحظه صندوق عمران مراتع
 مقدار واردات هر هکتار با کسود در نظر گرفته شده است

خرد محصولات و اظرف توسط صندوق عمران مراتع وارد (هزار تن)

سال	ذرت	کچاله سویا	جر	کچاله سه دانه	غذای معجزه کننده	سوس	جمع
۱۳۵۸	۵	۰	۵۸	۰	۱۸۳	۱۵	۲۶۱
۱۳۵۹	۴	۰	۵	۰	۱۸۰	۲۰	۲۰۷
۱۳۶۰	۰	۰	۲۵	۰	۶۰	۲۵	۱۰۸
۱۳۶۱	۱۳	۰	۵۰	۰	۹۰	۱۷	۲۱۰
۱۳۶۲	۰	۰	۳۰	۰	۱۷	۰	۴۷

ملاحظه صندوق عمران مراتع

عملیات مهم اصلاح مراتع کشور در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۹

واردات (هکتار)

مرغ عملکرد	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	جمع
کاشت مستقیم	۲۸۲۲	۲۹۶۶	۵۱۰۹	۱۰۰۹۲/۵	۱۷۷۵۲/۵	۲۰۱۹۱/۵	۸۰۰۷۸	۱۶۲۰۰۰/۵
برق کالی	۱۲۷	۱۷۷/۱	۱۱۷۵	۲۱۷/۵	۲۱۷/۵	۱۰۰۸۳/۵	۱۰۰۰۰	۳۶۸۷/۵
واردات اراضی	۱۱۵۵	۸۰۰	۹۱۲	۲۲۱۶	۲۲۱۶	۸۸۲۰	۲۲۳۲	۱۳۲۸۲

ملاحظه وزارت کشاورزی - سازمان جنگله و مراتع کشور - مهرماه ۱۳۶۵

بارنامه به برآوردهای کارشناسان برای تعلیف و تغلیف ۱۲۰ میلیون واحد دامی، سالیانه به حداقل حدود ۱۶/۴ میلیون تن (T.D.N. ۱۶%) غذای دام و یا معادل ۲۱/۶ میلیون واحد علوفه ای (۱۷) خوراک دام نیاز داریم.
 براساس برآوردهای موجود، سالانه حدود ۱۰۰ هزار هکتار از مراتع کشور به دلایل مختلف، به سوی بیابانی شدن متوجه می شود. (۱۸) دوجان حاصلخیز و بیابانی از مراتع کشور تراکم دام در بیش از ۲ یا ۳ برابر ظرفیت قابل چرای آنهاست که این تراکم بی رویه در آینده خطرناکی در سیستم تغذیه و تعلیف دام کشور بوجود خواهد آورد. هر ۴۵ کیلوگرم در صد از دامهای کشور به لحاظ منابع غذایی به مراتع طبیعی دسترس هستند. (معادل ۵۰۰ میلیون واحد دامی) و اگر در جهت بهبود وضعیت مراتع اقدامات عمرانی صورت نگیرد در درازمدت با دستگی به علوفه وارداتی رسام اول خواهد بود.

هرچه بیش از ۲۵ درصد جمعیت دامی کشور در وضعیت موجود از نظر منابع تغذیه به مراتع درحال استیصال و بیابانی شدن وابسته اند و این وضعیت را باید زودتر گرفت که با توجه به تولید ۱۰ میلیون تن علوفه حاصل، زمین توان کفایت تغذیه ۱۰ میلیون واحد دامی را دارد یعنی حداکثر توان تغذیه ای مطلوب ۱۶ میلیون واحد دامی است که معادل ۳۸ میلیون واحد دامی اضافه بر ظرفیت فعلی این مراتع از آن بهره برداری می شود که با توجه به تازان بودن مناطق حاصلخیز آحاد و عمران و توسعه مراتع، درآمدی آن می از تیرین ملی را از دور و چرخه تولیدی و اقتصادی خارج خواهد ساخت.
 براساس تجربیات به عمل آمده برای آنکه یک گوسفند زنده (یک واحد دامی) یک کیلوگرم به روزش اضافه شود باید معادل ۵ واحد علوفه ای (۵ کیلوگرم) جو و یا معادل آن (۶ واحد دامی) در صورت T.D.N. ۱۶/۲، درصود ۱۸/۱) خوراک دام به گوسفند به عنوان غذا داده شود و در تولید یک کیلوگرم گوشت قابل مصرف (براساس وزن لا نه) به میزان این مقدار غذا یعنی ۱۶ واحد علوفه ای خوراک دام مورد نیاز می شود. (۲۰) و برای تولید یک کیلوگرم گوشت مرغی به حدود ۷ واحد علوفه ای خوراک دام نیازند.
 با توجه به تخمین مصرف مواد پرورشی کشور، فرمز

گوسفند سرخ، تخم سرخ، گوسفند ساحلی و شیرا، پر ایسه و با فرض اینکه کل مصرف در مناطق شمالی (۱۳۷۱) از طریق تولید داخلی تأمین شود و میزان واردات در مقطع سال ۱۳۶۶ برابر با برآوردهای سازمان برنامه و بودجه منحصراً به حدود ۷۰ هزار تن گوشت فرس و ۱۰۸ میلیون تن باشد تقاضای برای خوراک دام در داخل کشور در سال ۱۳۶۶ به ۱۰/۴ میلیارد واحد علوفه ای (معادل ۱۰۰/۳۵) میلیون تن (جر) و در سال ۱۳۶۷ به ۱۶/۶ میلیون واحد علوفه ای (معادل ۱۶/۶) میلیون تن (جو) بالغ خواهد شد. هر ایجاب است که تولید خوراک دام، علوفه خشک و یا واردات علوفه از خارج باید جایگزینی تغذیه جمعیت دامی کشور باشد. یعنی در مقاطع زمانی مورد ذکر نیاز به خوراک دام در سال ۱۳۶۶ معادل ۶/۴ میلیون تن، در سال ۱۳۶۷ به ۸/۸ میلیون تن و در سال ۱۳۶۸ به ۱۰/۴ میلیون تن خواهد رسید.

واردات علوفه

طریقه سالیانه مختلف منحنی روند واردات علوفه سیر صعودی داشته است. در سال ۱۳۵۲، ۲۲۶ هزار تن علوفه وارد شده که در سال ۱۳۵۶ این مقدار به ۳۹۱ هزار تن رسیده است. در سال ۱۳۶۱ مجدداً این رقم به ۲۲۱۶ هزار تن می رسد. افت واردات علوفه (به دلیل کمبود ارز) در سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ خود را در اختلال سیستم تغذیه دام کشور (اجداد اثرات خود را که کاهش وزن لا نه دامها نیز در این دوره قابل بررسی است. به هر حال مجموع واردات علوفه در سال ۱۳۶۲ در حدود ۱۹۰ هزار تن (معادل ۳۳۰ میلیون دلار) و در سال ۶۵ (تیمه اول) ۸۱۹ هزار تن بوده است. از طرفی صنعت تولید خوراک دام کشور به تدریج اساسی شده است. به طوری که درحال حاضر تعداد واحدها و کارخانجات و جنبشهای ساخت خوراک دام و مواد کنسرو با حدود ۱۹۰ واحد، بالغ بر ۴۵۰ واحد صنعتی و تولیدی بدون پروانه رسمی مشغول به فعالیت هستند و نکته ای که در رابطه با این واحدهای تولیدی اینست: تعداد واحدها، مورد کار است که اکثر آنها به لحاظ تولیدی وابسته هستند و مواد اولیه مورد نیاز آنها سالانه توسط صندوق عمران از بیمه از طریق واردات تهیه و در اختیار این واحدها گذاشته میشود.

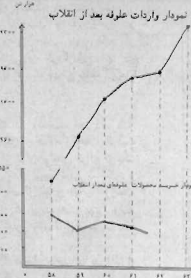
بالیقمانده نباتات صنعتی، گنیش تغذیه جمیع محبت
 های کشور را داشته و تقابل و توازن مثبتی بین پوشش
 تغذیه ای دام و کشت دام کشور برقرار شده
 برای نمونه میزان غذای تولید و تقاضای ۱۶ میلیون
 واحد دامی را فقط می توان از طریق علوفه حاصل از ۹۵
 میلیون هکتار مراتع طبیعی کشور تأمین کرد و این در
 شرایطی است که فعلاً ۷۳ میلیون واحد دامی از مراتع
 استفاده می کنند و ظرفیت تولید سالانه کارخانجات و
 مجتمع های ساخت خوراک دام و پرورش کشور (۳۹۱ واحد)
 رقی بسیار از ۷۶۸ هزار تن نیست، بر همین اساس استندوی
 عمران مراتع و پختن خصوصاً گاوپر تولید بود که علاوه
 بر علوفه و خوراک دام را با واردات از خارج برکت و
 شاید بتوان گفت سازمان صندوق عمران مراتع کشور یک
 طرح نامگذاری می مناسب به لحاظ محتوای کار و شکل
 نامگذاری است و می توان گفت سالانه عمران مراتع کشور
 فضای خرید و فروش (بازرگانی) عظیمی و داخلی خوراک
 دامی و تجارت مواد خوراک دام شده است و این مسأله
 واقعی است که نمی توان آنرا منکر شد

امدادات نژادگونه حقل خصوصی واحد (هزار تن)

سال	۱۳۵۱	۱۳۵۸	۱۳۶۷
بومرغ	۶۵	۹۹	۴۳
درخت	۵۰	۱۰۰	۷۰
کندانه سوزا	۱۱۵	۶۶۹	۱۱۴

۱۰ ساله معادل ۵۷ هزار هکتار

از عمران کشور اصلاح می شوند و در
 مقایسه با میزان تخریب و کوری
 شدن مراتع که رقم آن ۱۰۰ هزار است
 می توانیم نتیجه بگیریم که عملکرد
 تغریبی پیش از عملگردها احیاء است.



۱۰ - کل حیوانات اهلی هشت
 ۱۱ - مأموریت در ایران و ویتنام، سیلوان - ترجمه محمود
 مینوی - انتشارات هفت - ۱۳۶۱

۱۲ - مهندس مشاور «پروژه - هائینگ» کارشناسی تحت
 عنوان طرح کشت ابراهیم در باره توسعه اقتصادی کشاورزی
 ایران در طول بازده سال تا سال ۱۳۷۱ (۱۳۸۲) با سال بیان
 برنامه عمرانی در شهردار ۱۳۵۷ و وزارت کشاورزی و منابع
 طبیعی و تعاون برنامه ریزی - ذکر تمدن ایران و منابع
 اقتصادی و Technical Services Ltd
 HONG TENG TECHNICAL SERVICES LTD
 ۱۳ - برنامه جامع کشت سالانه کشور - گزارش نهایی - خد
 اول (اصلاح و گزارش اصلی) - انتشارات وزارت کشاورزی
 و منابع طبیعی (بازگفته ریزی) - شهردار ۱۳۵۲
 ۱۴ - گزارش اطلاعات مقاله «تدابیر که چند فصلی های
 را می خواند» - ۶۵/۸/۸۵

۱۵ - یک رأس گوسفند برابر با یک واحد دامی است
 رأس گاو و گوساله و یک معادل ۵ واحد دامی، یک رأس گاو
 بزرگ برابر ۷ واحد دامی است
 ۱۶ - یک رأس گاو گاو برابر با ۸ واحد دامی است
 ۱۷ - یک رأس گاو واحد دامی است
 ۱۸ - واحد دامی است، یک رأس اسب، قاطر و آستر برابر با ۷ واحد
 دامی است، یک رأس الاغ برابر با ۵ واحد دامی است
 ۱۹ - طبق عنوان و مکان معادل یک واحد دامی است (مطلق)
 وزارت کشاورزی

۲۰ - یک دوره تعلف ۱۰۰ روز در نظر گرفته می شود
 ۲۱ - جی. دی. ان (T.D.N.) با کل خاکی قابل جذب در
 صندلی از غذای دام است که در دستگاه هاضمه دام جذب
 می شود. (Total Digestible Nutrient)
 ۲۲ - واحد علوفه ای اصطلاحی است که در دامداری و
 تغذیه دام به کار می رود و معادل بارز غذای یک گاو بود
 می باشد که ضرورت دارد که در ارتباط با آن باید
 ۲۳ - حیوانات حقل خصوصی جمیع کشور شده است. جنگل،
 مراتع و انتشارات سازمان جنگلها، مراتع کشور - شماره
 ۱۳۶۶
 ۲۴ - جی. دی. ان (D.N.) با پروتئین قابل جذب حبات است از
 درصدهای از پروتئین خوراکه که در دستگاه هاضمه دام قابل
 جذب باشد. (Digestible Protein)
 ۲۵ - کباب یربسی منابع چربی بیشتر در ایران و جهان -
 انتشارات صفا، مطبوعات توسعه لشکر - حد حدود -
 ۱۳۶۶
 ۲۶ - گزارش اهم فعالیتها معاونت
 دام در سال ۶۸
 ۲۷ - به نقل از گزارشات سازمان دامپزشکی کشور
 ۲۸ - فرقه طوطی کبک
 ۲۹ - بررسی سببهای علمی دامها و نحوه بازده یا آنها
 ۳۰ - دکتر یربسی آلی - انتشارات ویران - ۱۳۶۳
 ۳۱ - وزارت کشاورزی و منابع طبیعی (واحد کشت و
 صفت و سببهای سیر و گوشت)

کشت معادل ۱۵ هزار سال با روش نژاد گاری و ۴۴۰۰
 سال از طریق ذخیره نژادات آسمانی طول می کشد پیش
 حجم عملیات فعلی در ارتباط با مقیاس ۹۵ میلیون هکتار
 انجام می دهیم و باید به هدف اساسی برای این محصل
 اجتماعی اقتصادی سیاسی بنشیند
 اگر این مسأله را بخوانیم از زاویه دیگری مورد
 بررسی قرار دهیم نوع فاضله را در زمینه بافت هائینگ
 که امروزه در کل جمعیت سه میلیون نژاد گاو
 کشت معادل ذخیره نژادات آسمانی را با یکدیگر جمع
 کنیم سالانه معادل ۵۷ هزار هکتار از مراتع کشور بهبود
 اصلاح می شوند و در مقایسه با میزان تخریب و کوری
 مراتع که رقم آن ۱۰۰ هزار است می توانیم نتیجه
 بگیریم که سطح تخریب با نوع عملکرد تخریب پیش از
 عملکرد تخریب می باشد با یک جمع و منهای شده این
 برابر امرت نژاد و احیاء در وضعیت فعلی با توجه به عملکرد
 سازمان جنگلها و مراتع کشور سالانه ۳۳ هزار هکتار از
 مراتع خود را در دسترس می دهیم یعنی معادل ۱۰۰ درصد
 و چرخه تولید به رقم کشت مراتع کشور آلوده
 می شود، پیش عملکرد ما طی شش ده اخیر معنی ساده که
 انعکاس این عملکرد بود وضعیت دام کشور سالها در
 خرابی بود

۳۲ - به نقل از بیان جهانی بهداشتی جهان سوم به ۱/۸
 اتریلیون دلار در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)
 ۳۳ - به نقل از IFAO سازمان جهان خواربار و کشاورزی
 ۶۰۰ میلیون تن در حصصه ۶/۳ سیلیاره تنی در سال ۲۰۰۰
 از گریسک تولید خواهد کرد ۱۰۹ در صد حصصه جهان
 ۳۴ - بر اساس گزارش سازمان جهان خواربار ۵۰ (۱۰۰) میلیون
 هکتار در کنار زمین های مهم وجود دارند و زمین های
 آینده این سازمان ستان می دهد که بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰
 لازم است ۸۸۰ میلیون هکتار جدید در کشورهای توسعه یافته
 ایجاد شود
 ۳۵ - به نقل از بارودهای بیوسکر در سال (۱۹۸۶)
 ۵ - به نقل از نژاد گونه های (UNESCO)
 ۶ جهان سوم در برابر کشورهای غنی - آنجلو
 آنجلو بروس - ترجمه امیر حسین چابانگو - انتشارات
 خوارزمی
 ۷ - بحران اقتصادی و اجتماعی در جهان - فیلیل کاسترو -
 ترجمه نصیرزاده - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۶
 ۸ - نکاتی چند در باره وضعیت کشاورزی ایران - گزارش
 محرمانه دوره دوم - به سازمان برنامه و بودجه - آوریل -
 ۱۹۷۶ (۱۳۵۵)
 ۹ - سهراب اکبرموسوی - مقاله سیر تحول معلومات بازرگانی

بازار صادرات داخلی بک فراوانی به هر دو رگ
 خریدند و در سال ۱۳۶۱ ۲۹۱ هزار تن به کشت این
 رقم در سال ۱۳۶۶ به ۲۸۸ هزار تن رسیده است در سال
 ۱۳۶۶ نیز خرید محصولات علوفه ای صادرات معادل ۶۰
 هزار تن به کشت این سوزا گریه شده به عدد ۵۸
 معادل ۲۲۲ هزار تن افت داشته است

با یک بازرگانی مجدد به این نتیجه می رسیدم که در
 وضعیت فعلی به دلیل ارزش پایین علوفه و تحمل ظرفیت
 خارج از توان تولیدی دامی از یک سو و عدم توجه کافی به
 احیاء و توسعه آن از سوی دیگر، در صورتی که تولید
 هاضمه بهبود وضع مراتع کشور باشد قابل تصدیق و پیش بینی
 هستیم و اگر روند فعلی وضعیت موجود با اجرای طرح
 توسعه ملی نیز همراه نظر فرمایشی نژادپرستان کشور انجام
 با شتاب زیاد در انتظار است اما با توجه به دلیل تولید
 واحد دامی از صنعت تولید خوراک دام داخلی به دلیل عدم
 استفاده از ظرفیتها موجود است این مسأله باید روی
 آوری به واردات علوفه و مواد اولیه خوراک دام خواهد شد
 اما با توجه به اینکه موجودیت دام کشور با تقدیم آن
 بیسگی کشت دارد و هر گونه اختلال در سیستم تغذیه دام
 و با فقدان مواد غذائی لازم، ضرورتی ندارد که
 معرض خطر نابودی قرار داده و کاهش وزن مستدام (به
 ویژه کاهش وزن لاشه) دلیل واضحی بر این گوسهاده عدم
 فضای کافی می باشد

بر امکان فریب تولید کشت در روشهای امی عمران و
 توسعه مراتع در قالب عملیات ذخیره نژادات آسمانی
 (پیشگام کشور فاروویانک بشی پختن آب) کودانی
 بوده است. کشت معطلیت - سوزان می کرد، نگاهی به
 عملکرد ۵ ساله وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و مراتع
 کشور از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ نشان می دهد که در زمینه
 کشت معطلیت حدود ۱۹۶ هزار هکتار بر کشت حدود ۶
 هزار هکتار و اصلاح مراتع از طریق ذخیره نژادات آسمانی
 حدود ۱۹۶ هزار هکتار مجموع مسافت باز سازی مراتع
 کشور که در متوسط عملکرد سالانه به ترتیب کشت
 معطلیت حدود ۲۳ هزار هکتار، بومرغ حدود ۶ هزار
 هکتار و ذخیره نژادات آسمانی حدود ۲۸ هزار هکتار بوده
 است
 اگر عملکرد مورد ذکر را در مقیاس ۱۰ میلیون هکتار
 از مراتع کشور که رو در آن به دست فرمایشی و بی پایه شدن
 مراتع است را در نظر بگیریم با فرض ثابت گرفتن روند
 تخریب، احیاء مراتع، بالغ بر ۲۹۰۰ سال از طریق

سیاسی اقتصادی